برخی عوامل موفقیت حضرت امام خمینی (ره)2

پدید آورنده : حسن صادقی ، صفحه 17

4ـ استفاده از فرصت

انسان عاقبت اندیش و آینده نگر، وقت خویش را هدر نمی دهد. حتی در بین علوم، علمی را که فایده اش و کمالش بیشتر باشد، انتخاب می کند: «العلم أکثر من أن یحاط و من کل علم أحسنه»1 در احادیث نیز به استفاده کامل از وقت، توصیه شده است: «الفرصة تمر مر السحاب، فاشمزوا فرص الخیر»2 و «اضافة الفرصة غصة»3 و «اشد الفرص فوت الفرص».4

امام راحل از جمله عالمانی بودند که از اوقات خویش، در مراحل تحصیل، تدریس، تألیف و تحقیق و رهبری، به خوبی استفاده می نمودند، که نتیجه آن، برپایی نظام اسلامی، تربیت شاگردان متعهد و محقق و تألیف کتب علمی بود.

به برکت همین خصوصیت بود که «امام بزرگوار با تخصصی که در علوم مختلف دارند، هیچ یک از علوم بر روح پر عظمت ایشان اشراف پیدا نکرد بلکه امام است که بر تمامی آن علوم و آن ابعاد در آن سطح بالای از تخصص که ایشان دارند، مشرف اند».5

5ـ استفاده از محضر علمای ربانی

علوم انسان ها غالبا از راه تحصیل به دست می آید و لازمه تحصیل، رفتن به محضر معلم و استاد است و رفتن به محضر معلم همان مجالست است. امام علی (علیه السلام) می فرمایند: «مجالسة الحکماء میاة العقول و شفاء النفوس»6 و «جالس العلماء یکمل عقلک و تشرف نفسک و ینتف عنک جهلک»7 و «قال الحواریون لعیسی (علیه السلام) یا روح الله! فمن مجالس اذا؟ قال: من یذکرکم الله رؤیته و یزید فی عملکم منطقة و یرغبکم فی الاخرة عمله».8

حضرت امام(ره) از نعمت وجود اساتید عامل و عالِمی برخوردار بودند و چون بیان شرح حال تک تک آن ها به درازا می کشد، به ذکر اساتید برجسته ایشان در قم می پردازیم و شرح حال مختصری از اساتید برجسته ایشان را می آوریم.

اساتید برجسته ایشان در قم عبارتند از: 1. مرحوم سیدمحمدتقی خوانساری (بخشی از سطوح فقه و اصول) ؛ 2.مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی (بخشی از سطوح و خارج فقه و اصول) 3. مرحوم حاج سیدعلی شیری کاشانی (سطوح عالی فقه و اصول) 4. مرحوم حاج سیدابوالحسن رفیعی قزوینی (فلسفه اسلامی، ریاضیات و هیئت) 5. مرحوم آقامیرزاعلی اکبر حکمی یزدی (ریاضیات، هیئت، فلسفه اسلامی نخستین و درس های علوم معنوی و عرفانی) 6. مرحوم آقاشیخ محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی (عروض و قوافی، فلسفه اسلامی و فلسفه غرب) 7.مرحوم آقامیرزاجواد ملکی تبریزی (اخلاق و عرفان) 8. مرحوم آقامیرزامحمدعلی شاه آبادی (عرفان نظری و عملی).9

حضرت امام خمینی درباره مرحوم شاه آبادی می فرمایند: «انسان همیشه عاشق چیزی است که ندارد و به دست او نیست و این فطرتی است که مشایخ عظام و حکمای بزرگ اسلام، خصوصاً استاد و شیخ ما در معارف الهیه جناب عارف کامل آقای آقامیرزامحمدعلی شاه آبادی (روحی له الفداء) به آن کثیری از معارف الهیه را ثابت می فرمایند».10

و در جای دیگری می فرمایند: «من از آقای شاه آبادی سؤال کردم مطالبی را که شما می گویید در کتاب نیست از کجا می آورید؟ آقای شاه آبادی گفتند: گفته می شود؛ یعنی از خود می گویم. آقای شاه آبادی شرح فصوصی که می گفته فرق می کرد با شرح فصوص قیصری، ایشان از خودش خیلی مطلب داشت».11

حضرت امام درباره مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی می فرمایند: «من خود در علمای زمان خود، کسانی را دیدم که ریاست تام یک مملکت و بلکه قطر شیعه را داشتند و سیره آن ها تالی تلو سیره رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) بوده. جناب استاد معظم و فقیه مکرم، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی که از 1340 ـ 1355 ریاست تامه و مرجعیت کامله قطر شیعه را داشت، همه دیدیم که چه سیره ای داشت، با نوکر و خادم خود هم سفره و هم غذا بود. روی زمین می نشست. با طلاب مزاح های عجیب و غریبی می فرمود. اخیرا که کسالت داشت، بعد از مغرب، بدون ردا یک رشته مختصری دور سرش پیچیده بود و گیوه بر پا کرده در کوچه قدم می زد و وقعش در قلوب بیشتر می شد و به مقام او از این کارها لطمه ای وارد نمی آمد».12

6ـ اعتماد به نفس

اعتماد به نفس یعنی تکیه کردن بر خود و خودباوری. انسان خودباور می تواند از استعدادهای خویش استفاده کند و در نتیجه پیروز گردد. حضرت امام (ره) بر پایه همین اعتماد به نفس بود که شروع به تحصیل کرد و آن را ادامه داد تا در 35 سالگی به درجه اجتهاد رسید و جزء مجتهدین و نوابغ علمی درآمد.

«پس از پیروزی انقلاب، زمانی که امام در قم تشریف داشتند، به ایشان گفتم: شاید مناسب باشد که شما در مسائل اجتماعی و در کل مسائل مملکتی به ویژه آن هایی که مهم هستند، با دیگر بزرگان و مراجع حوزه مشورت کنید، ایشان در جواب فرمودند: در مسائلی که پیش می آید و من خودم در آن ها دارای نظری هستم و به نظر خودم کمال اعتقاد را هم دارم و تشخیص می دهم که باید این راه عملی شود و نظر من پیاده شود، مشورت با این آقایان چه نتیجه ای می تواند داشته باشد؟ اگر مشورت کرده و با آن ها مخالفت بکنم که این صحیح نیست و اگر موافقت کنم، معنایش این است که راهی را که من تشخیص داده ام، خطاست. در این صورت باید نظری که دارم، کنار گذاشته شود، در صورتی که من صددرصد معتقدم که صلاح پیدا کردن آن نظر است».13

7ـ اراده استوار

اراده استوار، از صفات برجسته مردان الهی است. حضرت امام خمینی (ره) از سلسله بزرگانی بودند که در بین گرایش های مختلف انسانی، گرایش الهی را در هر جا بر دیگر گرایش ها ترجیح داده اند و آن را اراده نموده اند. وجود این روحیه بود که، باعث شد امام بتوانند به مقامات عالیه برسند.

«امام در شرایطی بنیاد یک زندگی علمی و فقاهتی را طرح ریزی نمودند و قدم به حوزه علمیه نهادند که ده ها مشکل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی حوزه ها را تهدید می کرد؛ کمبود استاد، فقر اقتصادی (که گاهی طلاب با نان خشک و حتی گاهی با پوست میوه ها سد جوع می کردند) و نبودن امنیت اجتماعی و سیاسی، که هر لحظه احتمال بستن حوزه و تعطیلی درس ها می رفت و اگر نبود همت و تصمیم قاطع برای مبارزه با این دردها و مشکلات و پیمودن راه های پر پیچ و خم معارف و علوم، چه چیز دیگر می توانست آینده درخشان علمی امام را تضمین کند؟»14

«زمانی که خواستند خبر فوت حاج آقامصطفی را به ایشان بدهند گفتند که: حاج آقامصطفی حالشان خوب نیست و به بیمارستان رفته، ایشان گفتند که: می خواهم به ملاقاتشان بروم، به ایشان گفته شد که گفته اند ملاقات با حاج آقامصطفی ممنوع است. ایشان گفتند: اگر مصطفی مرده، به من بگویید. و برادران به گریه افتادند و امام فهمیدند و فرمودند: «انا لله و انا الیه راجعون، امید داشتم که مصطفی به درد جامعه بخورد». چیزی که ما در مرگ حاج آقامصطفی از ایشان شنیدیم همین بود. ما در نجف جلسات ختم گذاشتیم و تمام آقایان در نجف این کار را کردند. چند روزی که گذشت افرادی می آمدند و برای فاتحه گرفتن اجازه می گرفتند، آقای دعایی هم مسئول این کار بود، که از امام اجازه می گرفت. امام به آقای دعایی فرمودند: مُرده بازی را دور بیندازید و به دنبال درس و بحثتان باشید و در این کار اصرار نکنید».15

8ـ کار و کوشش

کار و کوشش از اسباب موفقیت هر شخص به شمار می آید و متقابلاً تنبلی و سستی از آفات زندگی محسوب می شود. بی گمان، نتیجه را باید در مقدارِ کار و کوشش هر فرد، جستجو نمود و به قول شاعر پارسی زبان: «نابرده رنج گنج میسر نمی شود/مزد آن گرفته جان برادر که کار کرد». در روایات نیز بر کار و کوشش تأکید و از تنبلی و بی کاری و سستی نهی شده است.

امام علی(علیه السلام) می فرمایند: «آفة النجع الکسل»16 و «الفشل منقصة»17 و «من تقاعس اعتاق»18 و «من دام کسله خاب أمله»19

حضرت امام (ره) نیز در دوران زندگی از کار و کوشش خسته نشدند لذا توانستند خدمات ارزنده ای به جامعه بکنند. مثلاً درس ایشان، چون برای آن زحمت زیادی می کشیدند، خیلی پخته می شد؛ «ما وقتی وارد درس ایشان شدیم، دقت نظر را مشاهده کردیم. امام همه حرف بزرگان را نقل و تقریر می کردند و یک یک را با دلایل متقن، رد می کردند و آن هایی را که سخت بود کاملاً می پختند. به طوری که درسی که ایشان می دادند، آن شاگردانی که درس را خوب می گرفتند، در جاهای دیگر با هر شخصیت بزرگی روبرو می شدند آن ها نمی توانستند مبنا را از دست آن ها بگیرند و جاهایی بود که من خودم با شخصیت های بزرگی که الآن چند نفر به رحمت خدا رفته اند و در حد موقعیت تقلید بودند، برخورد می کردم، ایشان می پرسیدند: کجا درس می خوانید؟ می گفتیم: خدمت امام می خوانیم. می گفتند: بحث کجاست؟ می گفتیم اینجاست و وارد بحث می شدیم. با تمام تلاشی که می کردند نمی توانستند مبنا را از دست ما بگیرند»20

2ـ علل بیرونی

1ـ وراثت

یکی از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت هر شخصی، وراثت است. وراثت یعنی انتقال صفات والدین و اجداد به فرزند.

امام صادق (علیه السلام) در هزار و دویست و اندی سال پیش، از وجود «ژن» که عامل وراثت است، خبر می دهند.

ایشان می فرمایند: «تزوجوا فی الحجر الصالح فان العرق وساس مکارم».21 از این روایت استفاده می شود که «عرق» (به تعبیری «ژن») در انتقال صفات به فرزندان بسیار ظریف، دقیق و قوی عمل می کند.22 یا در روایت دیگری وارد شده است که: «یحفظ المرء فی ولده»23 و یا گفته اند: «الولد سرّ أبیه».

خاندان پدر و مادری حضرت امام راحل (ره) از خاندان علم و عمل و شجاعت و موفقیت بوده اند و اینها یکی از عوامل بیرونی موفقیت ایشان بوده است.

2ـ محیط

به اعتقاد روان شناسان، عوامل محیط نیز در رشد مادی و روحی فرزند اثر دارد.

هر چند پدر حضرت امام در پنج ماهگی ایشان به شهادت رسیدند؛ ولی در تکوین شخصیت فرزندشان نقش شایانی ایفا نمودند. مادرشان نیز چون از خانواده علم و عمل و از تربیت شدگان مکتب اسلام بودند، نقش قابل توجهی در شکل گیری شخصیت ایشان داشتند. علاوه بر این ها با شهادت مرحوم حاج سیدمصطفی، خواهر والاقدر ایشان، مرحومه بانو «صاحبه» به خانه برادر شهید خود رفته و سرپرستی کودکان خردسال آن مرحوم را عهده دار می شوند.

بنابراین، علاوه بر تأثیر پدر عالم و عامل در شخصیت امام، محیط معنویی که مادر و عمه گرامی امام به وجود آورده بودند، روح لطیف و پاک «روح الله» را مؤمن، متقی و متعهد، به بار آورد و زمینه کسب معارف الهی را به نحو اتم فراهم کرد تا سرانجام ایشان جزء علمای ربانی قرار گرفتند و رهبری نهضت بزرگ اسلامی را بر عهده گرفتند و پرچم «الله» را برافراشته نمودند.

پی نوشت ها:

1ـ شرح غرر و درر، ج 2، ص 56.

2ـ میزان الحکمه، ج 7، ص 442.

3ـ همان.

4ـ همان.

5ـ سرگذشت های ویژه، ج 5، ص 40.

6ـ میزان الحکمه، ج 2، ص 60.

7ـ همان.

8ـ همان.

9ـ فرهنگ ایران امام خمینی (ره)، ص 18.

10ـ چهل حدیث، ص 19 و 20.

11ـ سرگذشت های ویژه، ج 1، ص 128.

12ـ چهل حدیث، ص 103.

13ـ پا به پای آفتاب، ج 4، ص 59.

14ـ سرگذشت های ویژه، ج 2، ص 105.

15ـ همان، ج 4، ص 130.

16ـ شرح غرر و درر، ج 3، ص 112.

17ـ همان، ج 1، ص 49.

18ـ همان، ج 5، ص 151.

19ـ همان، ص 187.

20ـ سرگذشت های ویژه، ج 6، ص 27.

21ـ خانواده در اسلام، ص 154.

22ـ همان.

23ـ بنیان مرصوص، ص 386، به نقل از بحارالانوار، ج 28، ص 302.